

(عليه السلام)
شرح رساله حقوق امام سجاد



حجت الاسلام و المسلمین استاد
محمد جواد حاج علی اکبری

موضوع:

حق غریزه جنسی (۷)

تاریخ ۱۳۹۳ / ۱۲ / ۰۳

■ بانویی هم‌تراز ائمه (علیهم السلام)

■ آثار یاد مرگ

■ راهکارهای کنترل غریزه جنسی

■ اهمیت و ارزش خوف از خداوند

■ رابطه خوف و رجاء

■ تأثیر ترساندن نفس از خداوند در ترک گناه

■ انحرافات جنسی، گناه کبیره محسوب می‌شود

حامی است. امیدوارم چراغ یاد این بانوی بزرگ که حق حیات به عهده‌ی همه‌ی دوستداران و ارادتمندانشان دارند، همیشه در دل‌های ما روشن باشد و مردان و زنان و دختران ما ان‌شاءالله در پرتو امدادهای معنوی این بانوی بزرگ رهسپار راه کمال، سعادت و خوشبختی باشند.

■ آثار یاد مرگ

از حقّ اعضاء، به آخرین حقّ ارکان بدن، حقّ غریزه رسیدیم. در حقّ غریزه اوّلین حق: حفظ از حرام و گناه بود. اوّلین و بهترین کمک در این باره، «أَعْوَنَ الْأَعْوَانُ؛ مددکارترین یاوران»، فرو بردن چشم یا «نِعْمَ الْوَرَعُ غَضُّ الطَّرْفِ؛^۱ چه پارسایی نیکویی است، چشم‌پوشی (از گناه)» است. دومین کمک کثرت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ

■ بانویی هم‌تراز ائمه (علیهم السلام)

ما اگر بخواهیم سرعت بیشتری در مسیر کمال داشته باشیم و از عهده موانع پیش‌رو به خوبی بریاییم، یکی از بزرگ‌ترین الطاف الهی برای ما، مددی است که از طریق اولیاء خدا به ما می‌رسد. هر چه آن ولی در مقام ولایت بالاتر باشد، امداد و کمکش به دوستدارانش بیشتر خواهد بود. در سلسله‌ی اولیاء، نقش و جایگاه و ظرفیت و عظمت زینب کبری (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهَا) فقط با اولیاء کامل قابل مقایسه است. بانوی بزرگی که یادش پیش‌برنده، شوق‌انگیز، حفاظت‌کننده و

می‌شوند، به خاطر محروم بودن از این نعمت بزرگ است، ما در غفلت مرتکب گناه می‌شویم؛ وگرنه کسی که مرگش به‌طور یقین جلوی چشمش باشد و با عنایت به اینکه می‌داند هر لحظه‌ای ممکن است از راه برسد، مرتکب گناه نمی‌شود. هیچ شخصی از زمان مرگ خود با خبر نیست، حضور ما در این عالم فقط وابسته به یک نفس است که فرو می‌رود ممدّ حیات است و چون برمی‌آید مفرّح ذات؛ ما فاصله‌مان با مرگ بسیار نزدیک‌تر از آن چیزی که فکرش را می‌کنیم. لحظاتی که انسان نگاهش را رها می‌کند، آن لحظه‌ای که به غریزه‌ی سرکش در عرصه‌های گناه و معصیت میدان می‌دهد، آن لحظاتی که از مرگ غافل است؛ بهترین لگام برای این مرکب چموش یاد مرگ است.

یاد مرگ است؛ اگر کسی کثرت یاد مرگ داشته باشد، خدای این هدایا را متعال به او می‌دهد: صفای نفس پیدا می‌کند، رقت قلب، تقویت مراقبت و محاسبت، توبه را تقویت می‌کند، بی‌رغبتی به دنیا و کم‌رغبتی به دنیا و زهد به او عطا می‌شود، مهار نفس امکان‌پذیر می‌شود، ارتباط با پروردگار تقویت می‌شود، تضرّع و گفتگو با خدا بهتر می‌شود، و موانع کمال کاهش پیدا می‌کند.

حضرت محمد (صلي الله عليه و آله) فرمودند: «مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ الْمَوْتِ أَحَبَّهُ اللهُ»^۲ هر کس زیاد به یاد مرگ باشد خداوند او را دوست دارد، اگر کسی از یاد مرگ بهره‌ی وافر داشته باشد محبوب خدا می‌شود، چون این یاد او را صیانت و حفظ می‌کند. کسانی که به هر شکلی مرتکب انواع معصیت‌ها

برای همیشه می‌ماند. اگر کسی بداند که مسافر است، بارش را سبک می‌کند و به دیگران به امانت می‌سپارد تا در قیامت به او برسانند.

■ راهکارهای کنترل غریزه جنسی

امام (عَلَيْهِ السَّلَام) در باب بحث حَقِّ غَرِيْزَةِ جَنَسِيٍّ فرمودند: «وَالِاسْتِعَانَةَ عَلَيْهِ؛ كَمَكٌ وَتَقْوِيَةٌ اَنْ نَّكْهَدَاثًا»، برای حفاظت و مدیریت و حفظ غریزه در برابر حرام و معصیت کمک بگیرید، «مِمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ؛ اَنْجَهْ بَرِ اَوَّلًا»، «غَضُّ الْبَصَرِ فَاِنَّهُ مِنْ اَعْوَانِ الْاَعْوَانِ؛ بَا چشْمِ پوشی (از نامحرم)، زیرا (چشم فرو بستن) مددکارترین یاوران (در جلوگیری از شهوت) است»، فروپوشی چشم از گناه و معصیت بهترین یار است؛ دوم، «وَ كَثْرَةَ ذِكْرِ الْمَوْتِ؛ و

یاد مرگ نفس اماره را مهار می‌کند و مهارش را به دست خرد و عقل ما می‌سپارد. ای کاش ما فراوان یاد مرگ کنیم؛ اگر اوایل کراهتی باشد، سپس خواهیم دید که این یاد، چقدر شیرین و جزء جاری زندگی ما خواهد شد و برخلاف تصور اولیه، پیش‌برنده و فعال‌کننده انسان است. بهترین مدد برای مدیریت عمر، یاد مرگ است. هوای نفس و غریزه‌ی جنسی را منفعل می‌کند، اما از طرف دیگر همه‌ی خوبی‌ها را برای ما فعال می‌کند، دستیابی به قله‌های مرتفع کمال را تسریع می‌کند و برکات فراوان دارد. روح مجاهدت، فداکاری، ایثارگری، شجاعت، فتوت و مردانگی را در انسان تقویت می‌کند. بعضی افراد به‌خاطر این بخیل هستند که یاد مرگ ندارند. کسی بخیل می‌شود که خیال می‌کند در این دنیا

(با) بسیار یاد کردن از مرگ؛ و سوم، «و التَّهْدُدِ لِنَفْسِكَ بِاللَّهِ وَ التَّخْوِيفِ لَهَا بِهِ؛ و تهدید نمودن خود از (عذاب) خداوند و ترساندن نفس از اوست». اما سومین کمک برای مدیریت و مهار نفس مهار و برای آنکه آن‌را را در مسیر الهی قرار دهیم و از افتادن در دام‌هایی که در اطراف ما چیده شده، در امان باشیم، عبارت است از اینکه فرمودند: در برابر پروردگار متعال نفوس‌ات را تهدید کن و او را از خشم خدا، از عقوبت الهی بترسان.

■ اهمیت و ارزش خوف از خداوند

کنار هم آشنا می‌شوید: خوف، رجا؛ بیم، امید. بیم و امید دو بال پرواز برای انسان مؤمن است، که هیچ‌کدام به تنهایی ما را به مقصد نمی‌تواند برساند. گاهی این‌قدر باید قرین هم باشند که در روایات دارد: مثل دو کفهی ترازو باشند، که یکی بیم و دیگری امید است؛ انسان مؤمن متناسب از هر دو نیرو می‌گیرد و بهره‌مند می‌شود و به سوی مقاصد بزرگ و بهشت الهی پرواز می‌کند. قرآن کریم با تعبیر زیبایی می‌فرماید: «يَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ»^۳ به رحمت وی امیدوارند، و از عذابش می‌ترسند، این دوتا کنار هم است. انسان مؤمن تا بی‌کران، امید به رحمت الهی دارد، تا آنجایی که فرمودند اگر گناه همه‌ی اهل عالم را کسی داشته باشد، باز هم حق ندارد از امید به فضل الهی و

بحث این جلسه در ارتباط با مسئله‌ی بسیار مهم خوف است. نفس تربیت نمی‌شود مگر براساس همین قاعده. در فرهنگ قرآنی، با مراجعه به قرآن کریم با این دو واژه در

برابر پروردگارش هراسید و نفس [خود] را از هوس باز داشت، پس جایگاه او همان بهشت است»، خیلی کوتاه، جامع و نغز؛ آنجایی که انسان در برابر وسوسه‌های شیطانی و تمایلات نفسانی قرار می‌گیرد، خوف از خدای متعال می‌تواند در چنین شرایطی نجات‌بخش باشد و انسان را از سقوط در این درّه‌ی هولناک حفظ کند. او را به بهشت الهی نزدیک کند. کسی که مالک، خالق، ولی، صاحب اختیار و ربّ ما است، در همه‌ی لحظه‌ها، ناظر و شاهد ما است و برای انسان مرز درست کرده است و احکام و حدود الهی می‌گوید که از این مرز نباید عبور کنید. جمله‌ای به عنوان حدیث نفس بیان می‌کنم، وقتی که من بی‌پروایی می‌کنم، به گناه و معصیت نزدیک می‌شوم و خود را آلوده می‌کنم، آیا

رحمت الهی ناامید شود. از بزرگ‌ترین گناهان کبیره یأس از رحمت خدا است و اگر کسی به آن نقطه برسد و بگوید خدا مرا رها کرده، کاملاً در اختیار شیطان است. از طرف دیگر، «يَخَافُونَ»، این ترس از عذاب، هجران و افتادن از چشم رحمت الهی، آن‌قدر مهم است که فرمودند: اگر کسی همه‌ی حسنات اهل عالم را داشته باشد، در بین آنها اولیاء کامل هم هستند، باز هم باید نگران باشد و این ترس مقدّس را نباید از دست بدهد.

قرآن کریم نکته‌ی زیبایی را که در بیان نورانی و در نقشه‌ی حیات‌بخش رساله‌ی حقوق هست، برای ما آشکار می‌کند و می‌فرماید: «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ، فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ»^۴ و اما کسی که از ایستادن در

همه‌ی اعضا و جوارحش را در برمی‌گیرد که همان ادب بندگی است.

این تعبیر در قرآن کریم با واژه‌های متنوعی آمده، می‌فرماید: «وَجَلَّتْ قُلُوبُهُمْ؛^۵ دل‌هایشان بترسد»، هنگامی خدا را در مقام معصیت و در نقاط نزدیک به گناه و خطر که همیشه در اطراف ما است، یاد می‌کند دلش می‌لرزد. گاهی از همین مسئله‌ی ترس تعبیر به خشیت می‌شود.

■ رابطه‌ی خوف و رجاء

خوف، خشیت، وَجَل و تعبیری مانند اینها در کلام نورانی خداوند وجود دارد. انسان مؤمن برای رسیدن به مقصد، نیازمند رجاء و خوف دائمی است. خوف مقدّس و سازنده، حقیقت و جان‌کلامش این است که انسان مؤمن

باطن گناه و معصیت اعلام بی‌اعتنایی به نگاه و حضور خدا نیست؟ اگر آن گناه، گناه کبیره باشد، آیا اعلان جنگ با خداوند نیست؟

خوف از خداوند، در لحظه‌های سخت ما را از ورود به این قرق‌ها و از نزدیک شدن به این قرقگاه‌ها حفظ می‌کند. یک پدیده‌ی بسیار گرامی و ارزشمند عرفانی و روحانی و روانی است که کاملاً می‌تواند ما را در چنین حریم‌هایی حفاظت کند و این عبارت است از اوج ادب بندگی. اوج ادب بندگی این است که انسان هنگامی که در برابر معصیت قرار می‌گیرد، یک لحظه توجه پیدا کند که خداوند مرا می‌بیند، او مالک، خالق و قادر است، و من بنده‌ی او هستم. ترسی که در دل انسان مؤمن می‌جوشد، از چشم، گوش و زبانش سرازیر می‌شود،

از اینکه نظر محبت الهی و عنایت الهی درباره‌ی ما کاهش پیدا کند و یا نیجه بی‌ادبی و بی‌حیایی خود را بینیم، که همان عقوبت است، آن چیزی که تعبیر به عذاب می‌شود: «إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» قطعاً عذاب من سخت خواهد بود» عذاب خدای متعال برای گناه‌کاران، برای کسانی که در برابر اراده‌ی الهی می‌ایستند، سرکشی و نافرمانی می‌کنند، بدون توبه، بدون اینکه موقت شوند خود را اصلاح کنند از دنیا بروند، عذاب الهی دامن‌گیر آنها می‌شود. گاهی عذاب الهی تعبیر به عقوبت و نقیمت می‌شود و جلوه‌های آخرتی آن تعبیر به جهنم می‌شود. آن چیزی که ما را مؤدب به ادب بندگی می‌کند، خوف یا ترس از جهنم است. عده‌ای که جنبه‌های عرفانی، محبتی و رجایی را خیلی غلیظ

نگران است که نکند از نگاه خدا بیفتد و از نظر رحمت الهی محروم شود.

گرم‌چشم‌همه‌ی خلق بی‌فتم سهل است تو مینداز، که مخدول‌تورا ناصر نیست از خوف پلای می‌خورد به منطقه‌ی رجاء؛ چنان‌که شاعر سروده است:

به رحمت سر زلف تو واثقم ورنه
کشش چون بود از آن سو، چه سود کوشیدن

حتی ما در خوف‌مان هم رجاء داریم؛ خوف تاریک و بی‌متهایی نیست و این خوف نگهدارنده است.

خوف از خداوند که در آن بیان نورانی امام (عَلَيْهِ السَّلَام) و در کثیری از آیات کریمه‌ی قرآنی آمده، در واقع ترس از دست دادن رحمت خدا، لطف و مهربانی خداست، یا ترس

خدا می‌بیند؟».

■ تأثیر ترساندن نفس از خداوند در ترک گناه

امام سجّاد (عَلَيْهِ السَّلَام) می‌فرمایند: خودت را تهدید کن، نفس اماره را بترسان، آن را از عذاب، نعمت و جهنّم الهی بترسان. از اینکه از نگاه خدا بیفتی و نظر الهی از تو برگردد. تهدید و ترساندن نفس کنترل‌کننده و مهارکننده سرکشی نفس است. امام اینجا ما را به پناه بردن به خوف سفارش می‌کنند. خوف، نفس را نهی می‌کند: «وَ أَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فَيَٰنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ»^{۱۰} و اما کسی که از ایستادن در برابر پروردگارش هراسید و نفس [خود] را از هوس باز داشت پس جایگاه او همان بهشت است». این

کنند، گاهی جهنّم را دست‌کم می‌گیرند. اما اولیای الهی جهنّم را دست‌کم نمی‌گیرند. حق است که انسان از آن بترسد و فاصله بگیرد.

در زیارت آل یاسین انسان خطاب به امام عصر (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) عقایدش را فهرست می‌کند و می‌گوید: «وَ أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ»^۷ که مرگ حق است»، و به حساب و میزان می‌رسد، امثال اینها حق است، از جمله می‌گوید بهشت و جهنّم حق است: «وَ الْوَعْدَ وَ الْوَعِيدَ بِهِمَا حَقٌّ»^۸ و وعده و تهدید درباره آن دو حق است».

عذابی که در کنار گناه و معصیت تعریف شده، چیز ساده‌ای نیست که از آن به سادگی عبور کرد؛ چون بی‌حرمتی بسیار بزرگی است. قرآن می‌فرماید: «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ»^۹ مگر ندانسته که

مقام یعنی احساس کردن نگاه خداوند، حضور خداوند، اشراف حضرت حق، اینکه ما در دست خدا هستیم، و هر چیزی هم در اختیار ما است، متعلق به او است. این احساس حفاظت‌کننده و کنترل‌کننده سرکشی هوای نفس است. مسئله‌ی مهم، درک حضور خدای متعال و توجه به مقام الهی و ادب ورزیدن در پیشگاه خدای متعال نسبت به قرق‌ها و مرزهای حرام است.

■ انحرافات جنسی، گناه کبیره محسوب می‌شود

انواع انحراف‌های مرتبط با غریزه‌ی جنسی در زمره‌ی بزرگ‌ترین گناهان شمرده شده که بر همه‌ی آنها وعده‌ی عذاب داده شده است. در کتاب شریف گناهان کبیره‌ی شهید آیت الله دستغیب (رضواناً

قرآن کریم می‌فرماید: «الرَّائِيَةُ وَالرَّائِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِئَةَ جَلْدَةٍ»^{۱۱} به هر زن زناکار و مرد زناکاری صد تازیانه بزنید، در ادامه آیه مطلب بسیار تکان‌دهنده‌ای را بیان می‌فرماید: «وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ»^{۱۲} در [کار] دین خدا، نسبت به آن دو دل‌سوزی نکنید. حالت مهربانی نسبت به آنها نداشته و دلتان به حال آنها نسوزد؛ چون آنها قرق‌ها را شکستند و این قرق‌ها آشکار شده است. اگر بین خودشان و خدا بود، باید توبه می‌کردند، اما اکنون که آشکار شده، مجازات‌هایش سنگین است.

قرآن کریم می‌فرماید: «وَعَبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا»^{۱۳} و بندگان خدای رحمان کسانی‌اند که روی زمین به نرمی گام برمی‌دارند، بندگانی که توانستند از رحمت

بیکران الهی بهره‌ی وافر داشته باشند و ویژگی‌هایشان شمرده می‌شود: یک، شرک نمی‌ورزند؛ دو، قتل نفس مرتکب نمی‌شوند؛ سه، زنا نمی‌کنند: «وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا»^{۱۴} و زنا نمی‌کنند و هر کس اینها را انجام دهد سزایش را دریافت خواهد کرد»، اگر کسی مرتکب این گناه شود، به عقوبت‌های زیادی مبتلا می‌شود. قرآن می‌فرماید: «يُضَاعَفُ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدُ فِيهِ مُهَانًا»^{۱۵} برای او در روز قیامت عذاب دو چندان می‌شود و پیوسته در آن خوار می‌ماند. در این دنیا یا در برزخ گرفتار خواه شد و در قیامت نیز عذابش مضاعف می‌شود و در وضعیتی خفت و خواری در عذاب الهی جاودان می‌شود. در ادامه قرآن می‌فرماید: «إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ

يُبدِلُ اللهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛^{۱۶} مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و کار شایسته کند. پس خداوند بدی‌هایشان را به نیکی‌ها تبدیل می‌کند و خدا همواره آمرزنده مهربان است»، اگر کسی موفق به توبه واقعی شود، عمل صالح انجام دهد و مسیر خود را در زندگی تغییر دهد، خدای متعال بدی‌های او را به حسنات تبدیل خواهد کرد و خدای متعال غفور و رحیم است.

■ منابع و مآخذ:

۱. تمیمی آمدی، غرر الحکم، ص ۳۹۵.
۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۶۵.
۳. اسراء: ۵۷.
۴. نازعات: ۴۰ و ۴۱.
۵. انفال: ۲.
۶. ابراهیم: ۷.
۷. شیخ عباس قمی مفاتیح الجنان زیارت آل یاسین.
۸. همان.
۹. علق: ۱۴.
۱۰. نازعات: ۴۰ - ۴۱.
۱۱. نور: ۲.
۱۲. همان.
۱۳. فرقان: ۶۳.
۱۴. همان: ۶۸.
۱۵. همان: ۶۹.
۱۶. همان: ۷۰.





افوفا؛ درنگی بر مسئلهٔ تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir سامانه پیامکی: ۳۰۰۴۸۵۹۵۹

اثنیه‌ها، ساعت ۱۹

بازپخش دوشنبه‌ها، ساعت ۱۲



از شبکه قرآن و معارف سیما/ برنامه یاد خدا

